

استرداد جهیزیه و مبانی حقوقی آن

جواد سالمی^۱

محمد حسین شریفی^۲

مقدمه

مسئله استرداد جهیزیه از جمله موضوعات پرچالش در حوزه حقوق خانواده است که در دعاوی میان زوجین مطرح می‌شود. با توجه به اهمیت جهیزیه به عنوان بخشی از اموال زوج و نقش آن در زندگی مشترک، بررسی مبانی حقوقی استرداد آن از منظر حقوق مالکیت و همچنین تعیین تکلیف عین اموال یا قیمت روز آنها در صورت عدم وجود عین، از جمله مسائلی است که نیازمند تحلیل دقیق حقوقی است. این مقاله با هدف پاسخ به این پرسش‌ها و تبیین رویه قضایی موجود در این زمینه، به بررسی مبانی و شرایط استرداد جهیزیه و اختیارات دادگاه در صدور رأی می‌پردازد.

۱ استاد همکار - مربی - گروه علوم انسانی - دانشکده حقوق و علوم سیاسی - جامعه المصطفی (ص) - دانشگاه مجازی المصطفی (ص) - قم

۲ استادیار، گروه حکمت و مطالعات ادیان، دانشکده مطالعات اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، دانشگاه مجازی المصطفی (ص)، قم، ایران، mohamadhosein_sharyfi@miu.ac.ir

ماهیت جهیزیه و مبنای حق استرداد آن

جهیزیه مجموعه اموال منقولی است که برای استعمال یا تزئین زندگی مشترک از سوی زن به منزل شوهر آورده می‌شود و ملک او است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۳، ص: ۱۵۸) آوردن جهیزیه در بیشتر مناطق ایران رسم کهنی است که عرف هر منطقه، شهر یا قوم نقش بسزایی در شناخت آن دارد. در قانون مدنی ایران اشاره‌ای به جهیزیه نشده است و تنها در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، رسیدگی به آن را در صلاحیت دادگاه خانواده مقرر کرده است؛ چه این‌که زن تکلیف قانونی و شرعی برای آوردن جهیزیه به منزل شوهر ندارد و تهیه وسایل لازم برای زندگی مشترک بر عهده شوهر است. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ ه.ق، ج ۳، ص: ۱۵۸)

از سوی دیگر باید دانست که آوردن جهیزیه از سوی زن به منزله انصراف او از مالکیت نیست و تملیکی به شوهر هم نمی‌باشد، بلکه شوهر صرفاً حق انتفاع دارد. دکتر امامی (سید حسن امامی، ه.ق، ج ۴، ص: ۴۵۹) در این رابطه نوشته است:

"جهیزیه ... از اموری است که در روابط زناشویی در ایران معمول و متداول است و آن عبارت از اثاث البیت و البسه‌ای است که در موقع عروسی زن همراه خود بمنزل شوهر می‌برد. جهیزیه ملک زن است، اگر چه قبل از ازدواج، پدر و مادر برای او تهیه کرده باشند، زیرا ظاهر در دادن جهیزیه از طرف پدر و مادر به دختری که شوهر می‌نماید آن است که آنها قصد هبه آن را به او دارند. به نظر می‌رسد که جهیزیه از نظر تاریخی سوابق ممتدی داشته باشد و از بقایای دوران زندگانی خانواده است که چون دختری را به شوهر می‌دادند از خانواده پدری خارج می‌شده و از افراد خانواده شوهر محسوب می‌گردید، لذا با شوهر دادن او سهمی نیز از دارائی خانواده پدری به او داده می‌شده که همراه خود به منزل شوهر ببرد، و آن نصیب مالی دختر از دارائی خانواده پدری می‌بود. ... جهیزیه‌ای که زن به منزل شوهر می‌برد عموماً مورد استفاده آنان قرار می‌گیرد. ظاهر در این امر آن است که زن اجازه انتفاع از آنها را مجاناً بشوهر خود داده ... زن می‌تواند جهیزیه خود را کنار گذارده و البسه و اثاثیه لازم برای زندگانی را به عنوان نفقه از شوهر خود مطالبه بنماید"

حضرت امام خمینی (ره) در پاسخ به استفتائاتی (سید روح الله موسوی خمینی، ۱۴۲۲ هـ ق ج ۳، ص: ۱۹۰) وضعیت فقهی جهیزیه را اینگونه فرموده اند: "جهیزیه‌ای که دختر با خود آورده ملک خود او است و می‌تواند با خود ببرد"

بر این اساس مبنای استرداد جهیزیه را باید حق مالکیت دانست چراکه مالک جهیزیه بر اساس آنچه که در عرف رایج است زوجه است لذا در ملکیت او باقی است و آوردن آنها به منزل شوهر ماهیت حقوقی جدیدی به آنها نمی‌دهد و تنها حق انتفاع به شوهر داده می‌شود؛ البته عرفهای متفاوتی در ایران وجود دارد و آن ممکن است که جهیزیه با تفاهم میان زوجین، بخشی را زوجه و بخشی را زوج تهیه کند که علی‌القاعده آورده هر کدام ملک آورنده خواهد بود؛ و اگر اختلافی در برخی از اقلام پیش آید آن را در ذیل بررسی خواهیم کرد.

اختلاف در مالکیت اموال موجود در منزل

در خصوص اختلاف در مالکیت اموال موجود در منزل، در فقه نیز شاهد اختلاف نظر هستیم به شکلی که تا پنج نظریه گفته شده است. (سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴هـ.ق، ج ۲، ص ۱۴۱، مسألة ۱۵: «إذا تنازع الزوجان فی متاع البيت مع بقاء الزوجیه أو بعد زوالها أو تنازع وارثاهما أو وارث أحدهما مع الآخر سواء كان البيت لهما أو لأحدهما أو للغير، و لو كان فی یدهما بعنوان الغصب، فان كانت هناك بینة فلا إشکال و إلا ففي المسألة أقوال. أحدها: انّ ما يصلح للرجال للرجل، و ما يصلح للنساء للمرأة و ما يصلح لهما یقسم بینهما بعد التحالف أو النکول، و هو المحکی عن النهایة و الخلاف و الإسکافی و الحلّی و أسنده فی المسالك إلى الأكثر و عن نکت النهایة إلى المشهور بل عن السرائر و الخلاف الإجماع علیه و عن المبسوط إسناده إلى روايات الأصحاب...». یک دیدگاه آن است اموالی که مخصوص مردان است باید به زوج داده شود و اموالی که مخصوص زنان است در اختیار زوجه گذاشته شود و اموالی که مورد استفاده مشترک دارد طبق قواعد حاکم بر باب تداعی تقسیم گردد. در این صورت، هر دو طرف در آن واحد، خواهان و خوانده محسوب می‌شوند و باید بر نفی ادعای طرف مقابل سوگند یاد کنند و اموال بالسویه بین آنان تقسیم شود. چنانچه هر یک از طرفین حاضر به سوگند نشد، دعوا به نفع طرف مقابل ختم خواهد شد دیدگاهی که مطابق نظریه مشهور است (آقا ضیاء الدین عراقی، بی‌تا، ص ۱۷۸: «و لکن نسب الی المشهور کما عن المسالك بل عن الخلاف و السرائر دعوی الإجماع علیه بان ما يصلح

للرجال كالمنطقة و العمامة و أمثالهما للرجال، و ما يصلح للنساء كالمقنعة و أمثالها للنساء، و ما يصلح لهما كالوسادة و أمثالها فيقسم بينهما.»؛ محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ.ق، ج ۴۰، ص ۴۹۴: «و قال الشيخ فی الخلاف و محکی النهاية ما يصلح للرجال للرجل، و ما يصلح للنساء للمرأة، و ما يصلح لهما یقسم بينهما بعد التحالف أو النکول، ... بل فی المسالك نسبتہ إلى الأكثر، بل عن نکت النهاية للمصنف نسبتہ إلى المشهور، بل عن الخلاف و السرائر الإجماع علیه، و هو الحجة بعد...».

ضمان شوهر نسبت به جهیزیه

و اما در پاسخ به این سوال که آیا دادگاه می تواند در رای صادره حکم به استرداد عین اموال و در صورت عدم وجود عین، قیمت روز آنها صادر نماید؟ باید گفت که از نظر حقوقی آوردن جهیزیه نوعی اباحه تصرف است و از آن جا که زوجه در نتیجه حق مالکیتی که بر جهیزیه دارد و زوج به دلیل اباحه تصرفی که به دست آورده است، این اموال را استعمال می کنند و استعمال مستمر هم اثار خانه را فرسوده می کند و از بین می برد، (همان، ص ۱۸۹). لذا برای زوج ضمان و مسؤولیتی را به بار نمی آورد. امام خمینی (ره) در پاسخ به این پرسش که ضمان استهلاك اموالی که به عنوان جهیزیه به خانه شوهر برده می شود بر عهده چه کسی است؟ چنین مرقوم فرموده اند: «استهلاك را کسی ضامن نیست.» (گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، سؤال ۱۰۴۳۱).

برخی دیگر از فقیهان معاصر هم در پاسخ به این پرسش که آیا مرد ضامن جهیزیه همسرش می باشد چنین پاسخ داده اند: «اگر ثابت شود که شوهر در حفظ آن کوتاهی کرده مسؤول است، در غیر این صورت مسؤولیت ندارد...» (ناصر مکارم شیرازی، ص ۳۶۸، سؤال ۱۰۸۱).

لازم است به این نکته نیز اشاره شود که گاهی در زمان عقد صورت کاملی از جهیزیه زن تهیه شده و به امضای شوهر می رسد و اکنون در نتیجه اختلاف و انحلال نکاح، زوجه به استناد آن صورت جهیزیه، آن اموال را از زوج مطالبه می کند و حال آن که آن اموال تلف

شده است، لذا آیا می‌توان به استناد آن صورت جهیزیه، زوج را محکوم به تأدیۀ مثل یا قیمت نمود؟ در رأی شماره ۱۰۱ شعبۀ دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۱۶/۱/۱۵ چنین آمده است: «تصدیق زوج فقط در زمینۀ اقرار به مالکیت زوجه نسبت به اشیای مزبور است و سندی است که برای ثبوت مالکیت زوجه و عدم استحقاق زوج در اشیای مزبور تحصیل می‌گردد؛ بنابراین حکم به ضمان و مسؤولیت زوج به مجرد تصدیق و امضای او در صورت جهیزیه مستند قانونی نخواهد داشت.» دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۳۶۶-۱۱۸۲ مورخ ذی‌حجه ۱۳۳۹ نیز اعلام می‌کند: «داشتن قبض رسید جهیزیه از زوج به تنهایی کافی برای حق مطالبه نیست، بلکه باید زوجه ثابت نماید که جهیزیه، باقی در منزل زوج است و اثر قبض و رسید فقط همین است که با بقای عین جهیزیه، زوج نمی‌تواند بدون وجود ناقل جدیدی نسبت به آن دعوای حاکمیت بنماید.»

بر این اساس جهیزیه‌ای که در اختیار زوج است هر زمان زوجه بخواهد می‌تواند دادخواست استرداد عین آن را تقدیم نماید و تنها چیزی که باید ثابت کند وجود جهیزیه در ید زوج است. در این صورت دادگاه حکم به استرداد آن به زوجه صادر خواهد نمود و تا زمانی که عین باشد نوبت به مثل یا قیمت نمی‌رسد. ماده ۶۱۹ قانون مدنی بیان می‌دارد: «امین باید عین مالی را که دریافت کرده است رد نماید.»

همچنین برای مطالبۀ مثل یا قیمت جهیزیه در صورت تلف عین، اضافه بر اثبات وجود جهیزیه نزد زوج، باید اثبات نماید زوج تعدی یا تفریط در نگهداری آن نموده است و تنها اثبات وجود اصل جهیزیه نزد وی کفایت نمی‌کند و موجب ضمان زوج نمی‌باشد. در ماده ۶۱۴ قانون مدنی تصریح شده: «امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد، مگر در صورت تعدی یا تفریط.» زوجه باید ثابت نماید زوج عمداً جهیزیه را تلف نموده یا در حفظ آن سهل‌انگاری نموده است مانند این که درب منزل را باز گذاشته در جایی که احتمال سرقت زیاد بوده و جهیزیه سرقت شده است.

گفتنی است اگر در طول زمان این وسایل خراب یا مستهلک شوند، شوهر مسؤولیتی و تکلیفی برای پرداخت وجه آن یا دادن جایگزین ندارد و اگر شوهر در طول زندگی مشترک، وسایلی را به عنوان جایگزین تهیه نماید این وسایل، جزو جهیزیه نیست؛ بنابراین، زن اگر بخواهد دادخواست استرداد جهیزیه بدهد فقط آن چه از وسایلی که خود آورده و در این هنگام باقی مانده را می تواند مسترد نماید.

آیت الله گلپایگانی (سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ ه ق ج ۴، ص: ۴۰۴) در پاسخ استفتائی در همین موضوع فرموده اند: " در صورتی که زوج چیزی از جهیزیه را اتلاف ننموده، زوجه حق مطالبه بدل تلف شده را از زوج ندارد و همان مقداری که موجود است مال او است و زوج باید تحویل دهد "

مگر اینکه جهیزیه توسط زوج اتلاف شود و خواهان آن را اثبات کند، که علی الاصول ضامن خواهد بود. و طبق قواعد عمومی مسئولیت مدنی هم ضامن مثل یا قیمت آن خواهد بود. ماده ۳۲۸ قانون مدنی مقرر می دارد: (هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد ...) و طبق ماده ۱۹۸ آیین دادرسی مدنی: (در صورتی که حق یا دینی برعهده کسی ثابت شد، اصل بر بقای آن است مگر این که خلاف آن ثابت شود).

از ملاک نظر مشورتی ۴۹۳۵/۷ مورخ ۲۹/۰۶/۱۳۸۵ اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز همین مطلب استفاده می شود که می گوید: (مستفاد از مواد ۶۱۴ و ۶۳۱ ق.م. این است که امین در صورت تعدی و تفریط در مال امانی یا امتناع از رد مال در صورت مطالبه مالک، ضامن تلف و نقص و عیبی است که در مال مورد امانت حادث می شود اگر چه مستند به فعل او نباشد و دلیل و مسؤولیت او این است که از هنگام تعدی و تفریط ید امانی به ید ضمانی تغییر می یابد و سمت امانت او زایل می شود و پشیمانی امین پس از شروع به تعدی و تفریط و اقدام به حفظ و نگهداری مال در حدود تکالیف خود، موجب تجدید سمت امانت او نمی شود. زیرا قصد و تصمیم امین به اقدام بر طبق شرایط امانت، به تنهایی موجب اعاده وصف امانت نمی گردد، مگر اینکه مالک سمت امانت او را تجدید کند که در این صورت ید

عدوان به ید استیمن تبدیل می شود.) (علیرضا میرزایی، ۱۳۹۴ه ش، ص ۲۷۵، ذیل ماده ۶۱۳ ق.م)

بر این اساس دادگاهها پس از رسیدگی ماهوی، حکم مقتضی را مستند و مستدل طبق قانون صادر می نمایند، ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی در این خصوص مقرر می دارد: (قضات دادگاهها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعا و صدور حکم امتناع ورزند والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.)

نتیجه گیری

در پاسخ به سوال اول باید گفت که مبنای استرداد جهیزیه حق مالکیت است که زن بر جهیزیه دارد و تنها زوجه به مقتضای مالکیت اذن در انتفاع به زوج می دهد. و آوردن جهیزیه به منزل شوهر عقد معین یا غیر معین نیست و بر مبنای عقدی از عقود نیز نمی باشد.

در پاسخ به پرسش دوم باید اذعان نمود که تلف یا استهلاك جهیزیه و تلف شدن را کسی ضامن نیست، مگر این که زوجه بتواند کوتاهی زوج در حفظ آن، یا تعدی و تفریط او را اثبات نماید. در این صورت، طبق ماده ۳۲۸ قانون مدنی، دادگاه حکم به دادن مثل یا قیمت صادر می کند.

منابع

۱. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ هـ.ق، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول،
۲. سید حسن امامی، هـ.ق، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران - ایران، ج ۴، ص: ۴۵۹
۳. سید روح الله موسوی خمینی، ۱۴۲۲ هـ.ق، استفتاءات، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، پنجم،
۴. سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، تکملة العروة الوثقی، کتابفروشی دآوری، قم، چاپ اول،
۵. آقا ضیاء الدین عراقی، بی تا، کتاب القضاء چاپخانه مهر، قم، چاپ اول،
۶. گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، سؤال ۱۰۴۳۱.
۷. سید محمد رضا موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ هـ.ق، مجمع المسائل، دار القرآن الکریم، قم - ایران، دوم،
۸. علیرضا میرزایی، هـ.ش، ۱۳۹۴ محشی قانون مدنی، انتشارات بهنامی، تهران، چاپ نهم، ، ص ۲۷۵، ذیل ماده ۶۱۳ ق.م.

